

#### یادداشت

### کتابفروشی و سیر تحول آن در تهران



فرید مرادی

■ گروه کتاب- قسمت ششم این یادداشت را روز گذشته خواننده بودید. اینک قسمت هفتم آن را از نظر می‌گذرانید. بار دیگر یادآوری می‌کنیم مفصل این یادداشت‌ها که از پیدایش کتابفروشی در تهران تاانقلاب ۱۳۵۷ را دربر می‌گیرند، به قلم آقای مرادی که لطف کرده و اترشان را بیش از انتشار در اختیار «شرق» قرار داده‌اند، در کتابی چهارجلدی از طرف اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران منتشر خواهد‌شد. بخش دوم پژوهش آقای مرادی که اینک مشغول آماده‌سازی آن برای چاپ و انتشار است، کتابفروشی‌های این شهر دودزده‌را از ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰ در بر خواهد گرفت.

■ ■ ■

در جوار کتابفروشی‌ها چند نفر صحاف سرشناس هم بودند که صحافی و شیرآب‌بندی و تجلید کتاب‌های خطی و چاپی و درسی و غیردرسی را انجام می‌دادند. عمل آوردن کاغذ یا «آهار و مهره» کردن آن برای کتاب‌های «چاپ سنگی» و «کتابان و خطاطان» هم از جمله کارهایی بود که در همین بازار انجام می‌گرفت و میرزا علی‌اکبر اسفهان‌ی در این صنعت از ماهران بود. برای چاپ سنگی یک روی کاغذ و برای کتابت دو روی کاغذ را باید آهار می‌زدند و مهره می‌کشیدند اما با این تفاوت که آهار کاغذ تحریر و کتابت مهره خیالی و کاغذ چپ مهره زرد می‌خورد. وسیله و مایه آهار کردن، نشاسته و آب حنا و وسیله مهر کردن ابزار چوبی مخصوص بود. ابتدا کاغذ را آهار می‌زدند سپس بر آن مهره می‌کشیدند تا صاف و صیقلی و قابل تحریر شود. کاری بود دقیق و دشوار و انجام دادن آن مهارت و استادی می‌خواست.

بازار جلیی‌سازها مرکز عمدهفروش کاغذ نیز بود. از جمله کاغذفروشان معتبر و معروف آنجا اینان بودند: «حاج عزیرالله کاغذفروش و پسران و دامادهای او، حاج آقارضا و حاج محمد کتلیچی که برادر بودند و به اتفاق کسب می‌کردند و کاغذ روزنامه «طلوفان» فرخی بزدی و روزنامه «تاهید» ابراهیم ناهید را اینان تأمین می‌کردند؛ حاج میرزا حسین صداقت که بعدها نام خانوادگی کوشانیور را برگزیده و در شما ممتولان و ثروتمندان طراز اول محسوب می‌شد.»

حاج محمد و حاج رضا کتابی با هم شراکت داشتند و به چاپ کتاب نیز می‌پرداختند و کتاب‌هایی چون پارادایان اثر میشل ژاگو و یهودی سرگردان اثر اوژن سو و همچنین دیوان میرزاده عشقی را که



علی‌اکبر مشیرسلیمی مدیر مجله گل‌های رنگارنگ تدوین کرده بود، چاپ کرده‌اند. جالب اینکه مشیر سلیمی چون مبلغ ۲۰۰ تومان به حاج‌رضا کتلیچی بدهی داشت، در برابر امتیاز چاپ دیوان عشقی را به او وانهاد و البته بعدها موجب اختلاف بین آنها و امیرکبیر -ناشر بعدی دیوان- شد. این دو برادر که تاجر عمده کاغذ بودند در کار خرید و فروش ملک نیز فعال بودند و یکی از املاک آنها باغ مهراون در اول خیابان سلطنت‌آباد (پاسداران کنونی) بود که به دولت فروختند و تا مدتی محل نگهداری معتادان بود و بعد به سازمان اطلاعات و امنیت کشور تبدیل شد.

**دیگر کتابفروشان تهران در دوره قاجاریه (دوره مظفرالدین شاه)**

استاد ایرج افشار از ملا اسمعیل کتابفروش یاد کرده که از سال ۱۳۰۴ قمری در تهران کتابفروشی داشته‌است.

۱- کتابخانه تربیت در خیابان ناصریه که از سال ۱۲۸۶شمسی دایر بوده است و توسط رضا و محمدعلی تربیت اداره می‌شده‌است. برادران تربیت خود از مبارزان مشروطیت بوده و با سیدحسن تقی‌زاده نیز نزدیکی داشته‌اند. محمدعلی در تبریز و در برلین کتابفروشی داشته و محل کار آنان پاشوق و جایگاه اهل ادب و سیاست بوده‌است.

۲- کتابخانه معارف متعلق به میرزا محمدعلی بهجت درفولفی در جلوخان شمس‌العماره بوده که از سال ۱۲۸۵شمسی فعالیت داشته‌است. در شماره ۹ مورخ ۲۴ ربیع‌الاول سال ۱۳۲۵ ه‍.ق (۸ می۱۹۰۷ م) حبیل‌المتین یک آگهی از این کتابخانه درج شده که متن آن چنین است: «در کتابخانه معارف که واقع است

مقابل شمس‌العماره انواع و اقسام مفیده علمی و صنعتی و تاریخی و کتب مدارس فارسی و فرانسه و عربی موجود است و به قیمت مناسب به فروش می‌رسد، مخصوصا کتاب فواید ترجمان تالیف جناب آقای مخبرالسلطنه وزیر علوم و معارف که فارسی و فرانسه است و در تمام مدارس معمول است. محل فروش آن منحصر است به کتابخانه معارف، جلد اول سه قران، جلد دوم چهار قران و نیز انواع و اقسام روزنامه‌جات داخله و خارجه به فروش می‌رسد. شیخ محمدعلی بهجت.»

۳- کتابخانه شرافت که محل آن نیز در جلوخان شمس‌العماره بود، از سال ۱۲۸۶ شمسی فعالیت داشته‌است. از آقا‌حسین طهرانی معروف به شرافت، با سید شرافت، جنک اینک به احتمال زیاد تربیت مذهبی داشته و هرگز خود و پدرش به مقام اداری یا سیاسی دست نیافته‌اند، چیزی نمی‌دانیم.

**ادامه دارد**



هرمن راتوشنینگ

ترجمه: منوچهر اسدی

•

بسیاری از آثار برآمده از عصر ناسیونال سوسیالیسم به‌مانند گفت‌وگوهایسی با هیتلر از هرمن راتوشنینگ، این تاریخ پر تلاطم را با چنین قوتی تجربه نکرده‌اند. این اثر با شروع جنگ جهانی دوم برای نخستین‌بار انتشار یافت و در آن زمان به عنوان برترین منبع ارزشمند محسوب شد و اینک نیز نخستین گواه به‌شمار می‌آید که نقشه‌ها و تصورات آدولف هیتلر و رژیم او را آشکار می‌کند؛ آن نقشه‌ها و تصوراتی که آدمیان را با نظر حقارت‌بار می‌نگریستند. تازه در دهه ۱۹۸۰ بود که نکوهش‌هایی شدید علیه این اثر و نیز علیه مولف آن ابراز شد. در چنین حال و هوایی بود که گفت‌وگوهایی با هیتلر به مثابه «سندسازی وقیحانه تاریخ» معرفی شد، گر دهمانی‌های راتوشنینگ با هیتلر در انتای سال‌های ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۴ از نظر گاهی برخورد دارند که تحت مرام‌های فکری صوری یا ظاهری، مواجهه‌های بین‌المللی محسوب می‌شوند: ابتدا اجلاس‌های رهبران حزبی منتسب به دولت‌های متفاوت، سپس بعد از انتساب هیتلر به عنوان صدراعظم رایش در ۳۰ ژانویه ۱۹۳۳ و انتخاب راتوشنینگ به سمت ریاست سنای دانشیگ در ماه می همین سال – حتی ملاقات‌های رسمی‌ای نیز این دو با هم داشته‌اند. هم‌زمان اما دیدارهای حزبی هم بوده‌اند و اینکه هر دو آنها ناسیونال سوسیالیست بودند – که البته در مورد هیتلر چنان بوده که به هیچ وجه حزب را رد و انکار نمی‌کرده‌است. راتوشنینگ به عنوان میهمان حکومت در این حوزه هیچ چیز دیگری به جز یک مروتس و دستور بگیر نبود. پس، زمینه این وضعیت چندلایه را موقعیت‌های خاص آن دوران پس از جنگ جهانی اول تعیین می‌کرده‌است. ■ ■ ■

«من صرفا یک فاتح نیستم، من مجری مارکسیسم هم هستم، اگر آنچه را این فاتح طلب کند و آنچه برایش موجه باشد، پرده از چهره جزم‌اندیشی یهودی – البته‌ها برانداخته باشد.» من برای هیتلر این مساله را طرح کرده بودم که همه حلقه پرسش‌های نظم اقتصادی با این اوصاف به یک‌چیز ختم می‌شد که آیا منافع اقتصادی شخصی از این به بعد قرار است موتور زندگی اقتصادی باقی بماند یا نه. گفتم که هم‌حزبی‌هایی هستند که با حرارت با چنین چیزی مخالفت دارند و انقلاب اجتماعی افراطی‌تری را انتظار می‌کشیدند به‌جز آنچه مارکسیسم در هر معنایش آن را مردار کرده‌است. «من از مارکسیسم خیلی چیزها یاد گرفته‌ام. بدون هیچ ملاحظه‌ای این را اقرار می‌کنم. اما نه با این تعالیم کسالت‌بار درباره اجتماع و نه با دیدگاهی ماتریالیستی که به حدود منافع نظر دارند و از نظر من جز مہمل باقی نیستند. روش‌های اینها را خوب شناختم‌ام. فقط اینکه از این طریق بر آن شده‌ام تا وقتی با این کهمایه‌های چاکر صفت مواجه می‌شوم، با بدولی نگاهشان کنم. سراسر ناسیونال سوسیالیسم در اینجا حاضر است. فقط دقیق تر نگاه کنید. اتحادیه‌های کارگری، حجره‌های مشغول به خرردیزها، صفارایی توده‌ها و این همه تبلیغات برای آن است تا چیزی را توی کله عوام فرو کنند همه این ابزار جدید مبارزه سیاسی اساسا به مارکسیست‌ها برمی گردد. من نیاز داشتم این ابزار را فقط بپذیرم و بسط دهم یعنی آنچه لازم‌ش داشتیم. فقط محتاج بودم محتاطانه آن چیزی را پیش ببرم که در سوسیال‌دموکراسی برای ۱۰ بار در هم شکسته بود؛ چراکه همیشه خواسته‌شده تا چنین انقلابی در چارچوب یک دموکراسی به اجرا در آید. ناسیونال سوسیالیسم آن چیزی است که مارکسیسم می‌توانست باشد، اگر خود را از پیوند بوج و تصنیی با یک نظم دموکراتیک خلاص می‌کرد.»

■ **من در جواب گفتم که پس با این اوصاف این هیچ معنای دیگری ندارد به جز آنکه در بلشویسم و کمونیسم روسیه دیده می‌شود.** هیتلر پاسخ داد: «نه، اصلا این‌طور نیست. شما نتیجه خطای قدیمی را می‌گیرید. غافل می‌شوید از یک اراده انقلابی برای شکل دادن که دیگر به هیچ چوب زیر بغل ایدئولوژیکی محتاج نباشد و برای خود یک ابزار قدرت بی‌چون و چرا بسازد که با آن بتواند خود را به ملت و به جهان بقبولاند. آنچه از یک آموزه سلامت علمی حاصل خواهد شد، هر کنئی واقعا انقلابی خواهد بود که مواد لازمش را قدرت، مصادره خواهد کرد.»

■ **پرسید: «و هدف این اراده؟»**



**فصل نامنتشر؛ پیروزی نازیسم بر سوسیال دموکراسی در ۱۹۳۳**

# گفت و گو با شیطان

هیتلر در جواب گفت: «هیچ حذف ثابتی وجود ندارد. آیا درک این موضوع برای شما دشوار است؟»
■ **در پاسخ گفتم که این جنبه از امور در نظر من البته چیزی غیرمعقول و جدید است.**

«این ماییم که جنبش هستیم. هیچ چیزی ذات ما را بهتر از این بیان نمی‌کند. تعلیم مارکسیسم این است که جهان به ناگهان با یک هجوم و ویرانی عظیم درگرو می‌شود. اینکه رایش هزارساله مثل اورشلیم آسمانی به یک‌باره عطا خواهد شد و اینکه تاریخ جهان به این ترتیب به انتها می‌رسد. دیگر هیچ تغییر و تحولی وجود نخواهد داشت. اینکه دیگر همه‌چیز منظم می‌شود. گله‌ها می‌چرند و دغدغه‌ای ندارند. اینکه دنیا دیگر به آخر رسیده باشد. ولی ما می‌دانیم که



## محیط‌زیست به روایت مذاکرات وزارت خارجه

آخرین تحولات بین‌المللی در زمینه حقوق بین‌الملل محیط زیست و توسعه پایدار، نویسنده که خود کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و توسعه پایدار است با نگرارش کتاب «مدیریت‌موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی بین‌المللی» تلاش دارد در انتقال حداقل بخشی از دانش و تجربیات ارزشمندی که با مطالعه و نیز شرکت در مذاکرات بین دولت‌ها در مجامع بین‌المللی از جمله گردهمایی‌های مهم زیست‌محیطی و کمیسیون توسعه پایدار سازمان ملل متحد به دست آورده، ایفای نقش کند. این کتاب علاوه بر قسمت‌های کوتاه مقدمه و پیشگفتار و چکیده دارای پنج بخش است. بخش‌های اول تا چهارم، موضوعات مربوط به پایبندی و اجرا در چهار موافقت‌نامه بین‌المللی زیست‌محیطی شامل



جواد امین‌منصور ناشر: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه قیمت: ۲۵۰۰ تومان

عیان کردن خود واقعا که مسیر آزادی در اختیار داشتند. اما هیچ آدم‌های کوچکی نبودند. چیز عظیمی هم البته در این بین حاصل نشد. آنها نمی‌خواستند هیچ پایه‌واساسی بنا کنند که خط و رسمی برای همه امور باشد. هر چه بیشتر به زمان حال خود چسبیدند، بیشتر روده‌درازی کردند و یاوه بافتند. به همین دلیل من تصمیم گرفتم‌ام چیزی نو را آغاز کنم. ولی از جنبش کارگری آلمان تاکنون آن چیزی توانسته شکل بگیرد که نتیجه‌اش ماییم. شاید برای آلمان بهتر این بود که چنین رخنه‌ای در راهش پیش نمی‌آمد. اما نه، زیاد هم دیگر لازم نبود که کارگران آلمانی این تصورات غلط از دموکراسی را به جریان اندازند؛ تصوراتی که بخواد انقلاب آنها را در چارچوب خود برآورده کند. اما این در عین حال گام اساسی و تاریخی هم بود که ما برای انجامش رسالت داشتیم.» هیتلر پس از مکت کوتاهی ادامه داد: «شما از من درباره منافع اقتصادی خصوصی می‌پرسید که آیا باید کنار گذاشته شود یا نه. خوب، بدیهی است که نه. کجا بوده که من این را گفته باشم یا اجازه داده باشم، بگویند. اگر من می‌گذاشتم تا انگیزه نسل کنونی با هر قاعده و قانونی تباه شود، واقعا که کاری احمقانه و پرت بود. انگیزه مالکیت نمی‌تواند مورد بی‌اعتنایی قرار بگیرد. عنصر طبیعی پارچا می‌ماند. ما آخرین کسانی باشیم که خواستیم چنین چیزی را دور بریزیم. ولی اینکه چگونه این انگیزه طبیعی را تنظیم و تأمین کنیم، مساله اصلی است. این موضوع مربوط می‌شود به منافع و ابتکار عمل‌های شخصی که نیازهای حیاتی در قالب حکومت و جامعه، آنها را به بار آورند و بنابراین صرف‌نظر از همه نظرات آموزشی و اطلاعات منفی پاسخ من به شما این است: اصلا هیچ اصل کلا معتبر و یک بار برای همیشه‌ای برای این حدود وجود ندارد. بلکه فقط و فقط ضرورت‌های حکومت است که این دو مقوله را محدود می‌کند که در هر زمان و موقعیتی ممکن است قابل تغییر باشند. آنچه این روزها شاید لازم باشد، نیاز نیست که برای فردا هم چنین باشد. این مرزبندی هیچ مساله‌ای از یک تصمیمی تئوریک نیست بلکه موقعیتی است که در عمل هر بار به یک صورت، آرایه می‌شود. من می‌توانم و باید بنابراین آنچه را امروز درست تشخیص می‌دهم، فردا تحت شرایط متفاوتی نقض کنم یا طور دیگری برنامه‌اش را بچینم. هیچ وضعیت آرمانی معتبر برای همه اوقات وجود ندارد. کسی که نظم اقتصاد و جامعه را با یکی از این تعلیم‌بسازی پیوند زند، دیوانه‌ای بیش نیست. هیچ گونه همسانی‌ای وجود ندارد. هیچ عدم مالکیتی معنا ندارد. هیچ مزد عادلانه‌ای وجود ندارد یا هر چه از این دست نشوآر کرده‌اند. سرتاسر این تمایز میان اقتصاد مبتنی بر رفع کمبودها و اقتصاد مبتنی بر سود نیز در خدمت هیچ چیزی به جز مشغله موقتی عاقل و باطل‌ها و افراد پریان مغز نیست.»

■ **من در اینجا این موارد را پیش کشیدم: «فکات لازم درباره یک نوع اصلاح در بستر موضوعات و دولت‌زدایی بانک‌ها چه می‌شود؟»**

هیتلر بی‌صبرانه در جواب گفت: «شما هم که با چنین برنامه‌هایی همراه می‌شوید. آیا باید من به شما بگویم که چه چیزی را این برنامه‌ها با خود دارند؟ کسی که آن را دقیقاً بفهمد و نه به عنوان چشم‌اندازی عظیم در پس‌زمینه صحنه‌های ما می‌داند چه خبر است. پس زمین‌هایی که می‌تواند نزد افراد ساده لوح خیلی هم پایدار به نظر آید. من این برنامه را هرگز تغییر نخواهم داد چرا که برای توده در نظر بوده‌است. این برنامه جهات تعدادی از کوشش‌های ما را آشکار می‌کند. نه بیشتر از این، نه کمتر. این برنامه درست مثل جزم‌اندیشی کلیساست. آیا اهمیت کلیسا در اصول جزمی آن است که تباه می‌شوند یا در مجموعه آیین‌ها و مراسم آن چنین می‌شود؟ روشن است که این آیین‌ها به تباهی و اضمحلال برسند نه اصول جزمی و بی‌چون و چرایش! توده به چیزی نیاز دارد برای خیالبافی و اینکه اصولی پایدار و ماندنی دم دستش باشد. اما افراد محرم در میان خودمان لازم است، بدانند که هیچ چیز استواری وجود ندارد، اینکه همه چیز در همه حال درگرو می‌شود. به همین علت به شما می‌گویم ناسیونال سوسیالیسم یک سوسیالیسم در حال تغییر است که هیچ‌گاه به کمال نمی‌رسد، چون همواره در حالت درگروئی فهم شده‌است.»

■ **فصلی از کتاب در دست انتشار گفت و گو با هیتلر که در آینده نه چندان دور از سوی نشر پرسش روانه بازار خواهد شد**



تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در پایان کتاب، ازبلی کلی از گرایش‌ها، چالش‌ها و فرصت‌های موجود و همچنین وضعیت اجرا و پایبندی به موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی بین‌المللی در ایران و جهان به‌عمل آمده‌است. از دیگر ویژگی‌های این کتاب، معرفی نهادهای مالی بین‌المللی است که با در اختیار داشتن منابع مالی قابل توجه به طراحی و اجرای پروژه‌های زیست‌محیطی در کشورهای در حال توسعه کمک می‌کنند. فهرست مرجع مورد اشاره در انتهای کتاب نیز گزارش‌ها و اسنادی است که در تازنامه‌های نهادهای زیست‌محیطی بین‌المللی و برخی کتابخانه‌های تخصصی در دسترس هستند. نویسنده امید دارد که با تهیه، چاپ و انتشار کتاب مورد اشاره، گامی جهت شناخت هرچه بیشتر و گسترش حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و توسعه پایدار در کشور، بالاتر بردن توان و ظرفیت علمی دانشگاه‌ها و برآوردن شدن نیاز محققان و اندیشمندان کشور در رشته‌های حقوق بین‌الملل، محیط‌زیست و توسعه پایدار برداشته باشد.

#### آن‌سوی آب

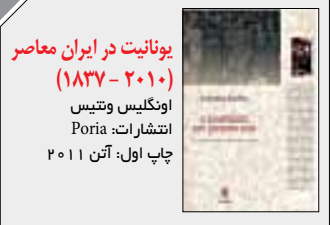
### یونانیت در ایران معاصر

#### محمود قاضلی

■ **اوتگلیس وونتیس** استاد دانشگاه، ایران‌شناس فعال در حوزه زبان و ادبیات فارسی اخیرا کتاب خود تحت عنوان «یونانیت در ایران معاصر» را در یونان منتشر کرده‌است. وونتیس که متولد ۱۹۷۷ میلادی در آتن است هم‌اکنون یکی از محققان موسسه یونانی تحقیقات اروپا و سیاست خارجی است. او با سفرهای متعدد خود به تهران و آشنایی با زبان فارسی هم‌اکنون ریاست انجمن مطالعات روابط فرهنگی ایران و یونان را برعهده دارد. این کتاب که توسط انتشارات Poria شهر آتن انتشار یافته به بررسی وضعیت یونانیان در ایران از سال‌های ۱۸۳۷ الی ۲۰۱۰ میلادی پرداخته‌است. به گفته نویسنده، وی برای نوشتن این کتاب از دانشکده وزارت امورخارجه ایران، کتابخانه‌های ایرانی و غیرایرانی، مراکز مطالعات ایران در خارج از کشور و با همکاری سفارت یونان در ایران و اسقف‌گری استانبول مطالب مختلفی جمع‌آوری کرده‌است. وی برای دستیابی مطالب این کتاب تلاش‌های فراوانی داشته و به دفعات به ایران و ترکیه سفر کرده‌است.

نویسنده کتابش را به یونانیانی که عاشق ایران هستند، تقدیم کرده و معتقد است این کتاب حضور مهاجران یونانی در ایران را از قرن نوزدهم تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران پوشش می‌دهد و تلاش شده‌است که مدارک مستندی در مورد حضور یونانیسان و در همکاری با یونانیانی که در ایران زندگی کرده‌اند و انجمن مطالعات یونان و ایران آرایه کند. به گفته نویسنده «یونانیان بیشتر در تهران و شمال ایران زندگی می‌کردند ولی به این معنا نیست که در دیگر شهرهای ایران، یونانیان زندگی نمی‌کرده‌اند. یونانیان بیشتر به کار ساخت‌وساز ساختمان، کشاورزی و تجارت اشتغال داشته‌اند و با تسهیلات خوبی که در اختیار آنان قرار داده شده، توانستند زندگی خوبی را برای خود در ایران فراهم کنند. یونانیان کس از سال‌ها کار و تلاش به علت دگرگون شدن شرایط و به‌خصوص پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران مجبور به ترک این کشور شده‌اند.

در بخش اول کتاب؛ تاریخ حضور یونانیان در ایران در قرن ۱۹ و نقش یونانیان در ساخت مسکن در ایران، حضور رشت‌های مختلفی در ایران، جامعه تاجار ایرانی در استانبول، موافقت‌نامه دو کشور در سال‌های ۲- ۱۸۶۱ که عمدتاً به‌منظور برقراری روابط دیپلماتیک بود، تثبیت



موقعیت یونانی‌ها در شهرهای رشت و بندر انزلی، روابط تجاری ایران و روسیه و پیشرفت راه دریایی باکو – انزلی و در نهایت موقعیت یونانی‌ها در ایران مورد توجه نویسنده بوده‌است. در بخش دوم کتاب؛ جنگ جهانی دوم و مهاجرت اتباع یونانی به سایر کشورهای جهان از جمله روسیه، روی کار آمدن خاندان پهلوی در ایران و گرایش یونانی‌ها به حضور بیشتر در ایران توجه نویسنده بوده‌است. در بخش پایانی کتاب به دلایل متفاوت مهاجرت یونانیان پس از پیروزی انقلاب اسلامی که شامل دلایل فرهنگی و اقتصادی است، اشاره شده‌است.

خانم «آندونیادو» یکی از یونانیانی که در ایران متولد و بزرگ شده و برای نوشتن این کتاب به نویسنده کمک شایانی کرده‌است در معرفی این کتاب می‌گوید: «تحقیقات زیادی در مورد یونانیان مهاجر از نژاد «پوندیوس» در سراسر جهان صورت گرفته‌است ولی در مورد یونانیانی که سال‌ها در ایران زندگی کرده و پناه جسته بودند، کتابی نوشته نشده بود که با این کتاب حلقه تحقیقات در مورد این یونانیان پناهنجو از نژاد پوندیوس در طول تاریخ تکمیل شد.» وی از ایران و ایرانیان به دلیل کمک به نژاد پوندیوس که در اوج نیاز یونانیان که در ترکیه تحت تعقیب بودند، تشکر کرد. به گفته وی «یونانیان پوندیوس ابتدا مقیم کشور ترکیه شدند اما در پی به وجود آمدن اختلافات بین یونان و این کشور به روسیه رفتند. با شروع انقلاب کمونیستی در روسیه و اجبار مردم برای پیوستن به حزب کمونیست این کشور، به ایران مهاجرت کردند. دولت وقت ایران در آن دوره کارت شناسایی به آنها داد و آنها را تبعه ایران کرد. یونانیان در ایران با برخورد خوب دولت و مردم رویه‌رو شدند و توانستند با تسهیلاتی که برای آنان فراهم آوردند، توسعه یابند و زندگی خوبی در ایران داشته‌باشند.»

در این کتاب ۲۸۴ صفحه‌ای، ۵۷ قطعه عکس از نخستین یونانیانی که در ایران حضور یافته، کلیسای ارتدوکس این کشور در تهران، مراکز تجاری اتباع این کشور در شمال ایران، اولین مدرسه کودکان یونانی در تهران، تصاویری از نخستین اعضای انجمن ایران و یونان و تصاویری از سفر مقامات عالی رتبه سیاسی و مذهبی این کشور به تهران در چهار دهه گذشته انتشار یافته‌است.